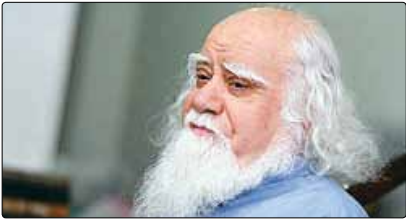


حال عمومی علامه حکیمی رو به بهبود است



علامه محمدرضا حکیمی، نویسنده و اندیشمند دینی در پی ابتلا به کرونا در بیمارستان بستری شد. روز دوشنبه صفحه منسوب به استاد محمدرضا حکیمی خبر از بستری شدن این اندیشمند دینی در بیمارستان به علت ابتلا به ویروس کرونا داد و از مردم درخواست کرد برای سلامتی وی دعا کنند. با این حال یکی از نزدیکان علامه حکیمی در گفت‌وگو با مهر، از بهبود نسبی حال عمومی وی خبر داد و اظهار داشت: استاد حکیمی بعد از دریافت دوز اول واکسن کرونا یک ضعف عمومی داشتند اما ۲ هفته پیش با دریافت دوم دوز واکسن کرونا ضعف جسمانی ایشان بسیار افزایش یافت به گونه‌ای که اشتهای‌شان به غذا کم‌تر شد؛ در همین اساس برای تقویت جسمانی این استاد گراقتدر اقدام به تزریق سرم شد که با تشخیص تیم پزشکی تصمیم گرفته شد استاد محمدرضا حکیمی در یکی از بیمارستان‌های تهران بستری شود و حال جسمانی ایشان بیشتر تحت کنترل باشد.

بازدید سرزده قالیباف از صف سالمندان متقاضی واکسن کرونا



رئیس مجلس بامداد روز گذشته به صورت سرزده در مقابل یکی از مراکز تزریق واکسن کرونا به سالمندان در شهر تهران حضور یافت و از نزدیک در جریان گلابه‌ها و مشکلات این قشر برای دریافت نوبت دوم واکسن قرار گرفت. به گزارش تسنیم، محمدباقر قالیباف در جلسه علنی روز یکشنبه درباره ساماندهی تزریق دوز دوم واکسن کرونا به سالمندان و صفوف طولانی این قشر محترم به دولت تذکر داد و گفته بود: «بر اساس گزارش‌های مردمی در برخی مراکز برای تزریق نوبت دوم واکسن صفوف طولانی تشکیل شده که مسؤولان اجرایی باید هر چه سریع‌تر نسبت به ساماندهی این وضعیت اقدام کنند». وی ساعت ۵ صبح روز گذشته پیش از طلوع آفتاب در منطقه ۳ تهران ۵ مقابل حسینییه ارشاد که یکی از مراکز تزریق واکسن به سالمندان است حضور یافت. رئیس قوه مقننه کشورمان در این بازدید سرزده با تعدادی از سالمندان که اظهار می‌کردند ساعت ۳ و ۳ بامداد در صف حضور پیدا کرده‌اند تا شاید با شروع کار مرکز بتوانند واکسن دریافت کنند گفت‌وگو کرد. در این گفت‌وگوها سالمندان حاضر با گلابه شدید از نحوه مدیریت فرآیند تزریق واکسن و نیز اطلاع‌رسانی آن تأکید کردند برخلاف تبلیغاتی که درباره ساماندهی واکسن منتشر می‌شود اما برای هیچ کدام آنها پیامکی برای دریافت واکسن ارسال نشده بود. روزها باید ساعت‌ها در صف بایستند و سرآخر بدون دریافت واکسن به منزل برگردند. این افراد که عمدتاً سنین ۸۰ سال و بالاتر داشتند، همچنین تأکید داشتند با وجود آنکه آنها از ساعات اولیه بامداد در این مراکز حضور یافته‌اند، روی بر گهای اسم‌نویسی می‌کنند اما مراکز تزریق واکسن به این نوبت‌ها توجه نمی‌کنند. رئیس مجلس در پایان این بازدید سرزده بامدادی در گفت‌وگویی با بیان اینکه گزارش‌های مردمی در روزهای اخیر حکایت از صفوف طولانی در برخی مراکز تزریق دوز دوم واکسن داشت، گفت: به نظر می‌رسد هم مراکز تزریق محدود است و هم پیامک به افراد ارسال نمی‌شود، لذا نظم و انضباط تزریق دوز اول دیده نمی‌شود. قالیباف با تأکید بر اینکه در این زمینه در اجرا شاهد اشکالات جدی هستیم گفت: مسؤولان این حوزه حتی از محدودیتی در میزان واکسن دارند باید همان مقدار را به نحوی مدیریت کنند تا شاهد این نابسامانی‌ها نباشیم. وی در ادامه افزود: گلم‌مندی دیگر سالمندان این است که با وجود آنکه از ساعات اولیه خودشان حضور یافته و روی برگ‌های ثبت نام می‌کنند اما وقتی مراکز آغاز به کار می‌کنند به این فهرست‌های مردمی توجهی نمی‌شود. رئیس مجلس در پایان در پاسخ به درخواست‌های مردمی که خواستار پیگیری این مشکلات توسط وی بودند، گفت: این مسائل و مشکلات را من حتماً از مسؤولان پیگیری می‌کنم و باید تأثیر آن در این صفوف دیده شود. وی تأکید کرد: دولت و مسؤولان وزارت بهداشت موظف هستند هرچه زودتر این مشکلات را برطرف کرده و فرآیند تزریق واکسن به اقبال مختلف بویژه سالمندان را به نحوی ساماندهی کنند که نیاز به حضور و ازدحام آنها در نخستین ساعات بامداد مقابل مراکز دریافت واکسن نباشد.

اولیانوف

موضوع نیروگاه اتمی بوشهر تأثیری بر مذاکرات وین ندارد
نماینده دائم روسیه در سازمان‌های بین‌المللی گفت موضوع نیروگاه اتمی بوشهر و اختلافات احتمالی ایران و روسیه بر سر این مسئله، از تباطی با مذاکرات وین ندارد. اولیانوف در گفت‌وگو با خبرنگاری اسپوتنیک اظهار داشت: اختلافات احتمالی روسیه و ایران در نیروگاه هسته‌ای بوشهر نمی‌تواند بر روند مذاکرات درباره احیای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) که هم‌اکنون در وین در جریان است، تأثیر بگذارد. وی در ادامه تصریح کرد: چنین گمانه‌زنی‌هایی واقعیت ندارد. اگر مشکلی در روابط بین نهادهای اقتصادی به وجود آید، این نمی‌تواند بر روند مذاکرات وین بر سسر احیای برجام تأثیر بگذارد. پیش از این برخی رسانه‌ها دعا کرده بودند تهران و مسکو در نیروگاه هسته‌ای بوشهر در رابطه با مسائل مالی اختلاف‌نظر دارند که گفته می‌شود می‌تواند بر روند مذاکرات وین تأثیر گذار باشد.

گروه سیاسی: در جریان تحولات و درگیری‌های اخیر در داخل افغانستان، برخی چهره‌ها و رسانه‌های اصلاح‌طلب با حمله به رقبای سیاسی خود و متهم کردن آنان به تطهیر طالبان، عملاً سعی دارند با بازی در پازل منطقه‌ای آمریکایی‌ها، باعث به‌بن‌بست رسیدن راه‌حل سیاسی برای حل بحران این کشور شوند.

به گزارش «وطن‌امروز»، شرایط کنونی افغانستان در وضعیت بسیار بی‌ثباتی قرار دارد. هر روزه اخبار مختلفی از پیشروی‌های طالبان در شمال این کشور منتشر می‌شود که نیروهای نظامی دولت افغانستان و مردم این کشور را دچار چالش‌های جدی کرده است. درگیر شدن ولایت بلخ در آتش جنگ و نزدیکی نیروهای شبه‌نظامی طالبان به شهر مزارشریف، از مهم‌ترین شهرهای افغانستان، باعث شد برخی رهبران سابق جهادی و قومی این کشور اعلام بسیج عمومی کنند و دولت نیز به پشتیبانی از آنان برآمد. طبق اخبار رسیده، با بسیج و مسلح شدن قریب به ۲۰ هزار نفر از مردم عادی به منظور تقابل با طالبان، جدی‌تر شدن جنگ طی ایام پیش‌رو دور از انتظار نیست. ابهام درباره آینده افغانستان و به تبع آن تحولات غیرقابل پیش‌بینی سیاسی-امنیتی در مرزهای شرقی ایران ذهن بسیاری از فعالان و مردم را به خود مشغول کرده است. در چنین شرایطی برخی اصلاح‌طلبان با استفاده از تریبون‌های رسانه‌ای خود و با سوءاستفاده از وضعیت کنونی و برخی نقل قول‌ها در حال تسویه حساب سیاسی با رقیب خود هستند. برای نمونه عباس عبدی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب در یادداشتی با عنوان «آیا افغانستان عقبگرد می‌کند؟» در روزنامه اعتماد نوشت: «برخلاف حوشالی اصولگرایان که منتظر پیروزی طالبان هستند و برای آن لحظه‌شمار می‌کنند، گمان نمی‌کنم که این امر به‌سادگی رخ دهد.» وی سپس با اشاره به اینکه اصولگرایان استقلال سیاست خارجی کشور را با محور قرار دادن ضدیت و تقابل با ایالات متحده آمریکا در تعیین جهت‌گیری‌های خود مخدوش کرده‌اند، ادعا کرد: «همین رویکرد است که آنان را به طالبان نزدیک کرده است!»

روزنامه شرق نیز طی یادداشتی با عنوان «چرا اصولگرایان طالبان را تطهیر می‌کنند؟» که تیر یک و عکس صفحه اول این روزنامه را نیز به خود اختصاص داده بود، با اشاره به برخی مواضع پراکنده بعضی افراد، اصولگرایان را دوست و تطهیرکننده طالبان نامید که در جهت منافع این گروه در افغانستان موضع‌گیری می‌کنند

این مسائل و ادعاها در حالی مطرح می‌شود که با بازخوانی عملکرد دولت‌های هفتم و هشتم که متعلق به جریان اصلاحاتی بوده در قبال طالبان و برخی مواضع متناقض همین جناح در رابطه با موضوعات این‌چنینی در باقی کشورهای منطقه، بی‌اعتباری این صحبت‌ها روشن می‌شود.

دولت اصلاحات و به رسمیت شناختن حکومت طالبان
روی کار آمدن دولت اصلاحات به ریاست‌جمهوری محمد خاتمی در سال ۱۳۷۶ هم‌زمان با نخستین سال حکومت طالبان در افغانستان بود. در آن زمان چند ماهی از تسخیر کابل توسط طالبان و پیشروی این گروه به سمت شهرهای شمالی افغانستان می‌گذشت. حمایت جمهوری اسلامی ایران از دولت ربانی که تا روز آخر ادامه داشت منجر به حمایت همه‌جانبه از ائتلاف شمال که اصلی‌ترین مخالفان طالبان در افغانستان به حساب می‌آمدند شد. در آن زمان شهید مرتضی‌انباری ربانی ریاست‌دولت خود را از کابل به مزارشریف منتقل کرده بود و تحت حمایت کشور جمهوری اسلامی ایران قرار داشت. تابستان سال ۱۳۷۷ سرانجام طالبان موفق به اشغال شهر مزارشریف شد و به تلافی شکست‌های قبلی این گروه در این شهر، بسیاری از مردم مزارشریف توسط طالبان قتل‌عام شدند. در این موقعیت‌ها برخی مسؤولان وقت کشور در حوزه افغانستان مطرح می‌کنند که دولت خود خرداد به دنبال به رسمیت شناختن طالبان و پشت کردن به متحان قدیمی خود در افغانستان بود.عادل‌الدین بروجردی، نماینده ویژه رئیس‌جمهور وقت در امور افغانستان در مصاحبه باهفته‌نامه پنجره به تاریخ مهرماه ۱۳۹۱ در پاسخ به سؤالی درباره موضع دولت خاتمی در قبال طالبان گفت: «آنها به این جمع‌بندی رسیده بودند که باید طالبان را به رسمیت بشناسیم و روی آنها کار کنیم. در آن مقطع فقط امارات و عربستان (پاکستان هم اساساً به وجود آورنده و بانی طالبان بود) بودند که طالبان را به رسمیت می‌شناختند. معاون وقت وزیر امور خارجه در مجلس ششم (بنده آن زمان عضو کمیسیون امنیت ملی بودم) همین تحلیل را رسماً اعلام کرد. اما

هیچ‌گاه سیاست نظام این نبوده چون ما این مجموعه (طالبان) را ساخته و پرداخته دشمنان انقلاب اسلامی می‌دانستیم.» وی سپس «محسن امین‌زاده» معاون «کمال خرازی» وزیر امور خارجه دولت اصلاحات را یکی از اصلی‌ترین افراد این جریان نام برد. بروجردی در ادامه نیز اشاره کرد: «هست و سوی خواست آنها این بود که طالبان را به رسمیت بشناسیم و واقعیتی به نام طالبان را بپذیریم (حتماً می‌دانید که طالبان در آن زمان حاکم افغانستان بودند).»

درخواست به رسمیت شناختن حکومت طالبان در حالی مطرح می‌شد که علاوه بر تسلط ائتلاف شمال به عنوان متحد جمهوری اسلامی بر قسمت‌هایی از خاک افغانستان، تنها ۳ کشور عربستان سعودی، امارات عربی متحده و پاکستان حکومت طالبان را به رسمیت شناخته بودند و کرسی افغانستان در سازمان ملل همچنان در اختیار دولت ربانی قرار داشت.

تراذی مزارشریف و تصویب حمله نظامی به افغانستان
یکی از نقاط عطف روایط ایران با همسایه شرقی خود، شهادت دیپلمات‌های ایرانی در زمان حمله طالبان به مزارشریف در مردادماه ۱۳۷۷ بود. در این حادثه ۸ دیپلمات و یک خبرنگار ایرانی به شهادت رسیدند. طالبان دست داشتن خود در این حادثه را شدیداً تکذیب کرد و بر برخی سیستم اطلاعاتی پاکستان را آمر این حادثه دانستند. با این حال ادعاهای مذکور بیشتر در سال‌های اخیر مطرح شده‌اند و در آن زمان طالبان مقصر اصلی شهادت دیپلمات‌های ایرانی دانسته می‌شد. پس از این اتفاق زرمزه‌هایی از احتمال حمله نظامی جمهوری اسلامی ایران به طالبان مطرح می‌شد که با وقوع مانورهای نظامی در نزدیکی مرز شرقی کشور این احتمال تقویت شد. برخی از افرادی که در جریان حوادث آن زمان قرار دارند می‌گویند از مدافعان سرسخت جنگ با طالبان، تأیید و امضا نکردند.

وی همچنین در یادداشت دیگری با اشاره به اتفاقات مزارشریف درباره مصوبه شورای عالی امنیت ملی نوشت: «هستست فوق‌العاده شورای عالی امنیت ملی ایران تشکیل و بیشتر اعضای این شورا به ریاست محمد خاتمی رأی به حمله به افغانستان دادند و به عنوان مصوبه برای آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب ارسال شد. موضوع حمله به طالبان اقتدر جودی که هم‌زمان با طی فرآیند در شورای عالی امنیت ملی، ده‌ها هزار نیروی نظامی کشورمان در مرزهای شرقی ایران مستقر و آماده عملیات شده بودند. در همین راستا، مانوری در نزدیکی مرز ایران و افغانستان با حضور بیش از ۷۰ هزار نیروی نظامی ایران برگزار شد که نبرد آدامگی برای تقابل نظامی بود. با وجود مصوبه شورای عالی امنیت ملی در

حمله به نیروهای طالبان در خاک افغانستان، آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب، به صورت مستدل با این مصوبه مخالفت کردند و ایران را یک بار دیگر از ورود به جنگی پر خسارت حفظ کردند.»

مواضع هزینه‌زا بازی در پازل آمریکایی‌ها

حوادث داخل افغانستان همواره با پیچیدگی‌های بسیاری همراه بوده‌است که با نگاه ساده‌نمی‌توان آن را تحلیل کرد. جایگاه طالبان در افغانستان با جایگاه داعش و النصره در سوریه و دیگر گروه‌های تروریستی در دیگر نقاط جهان نظیر القاعده و بوکوحرام متفاوت است. با اینکه پاکستان و عربستان سعودی از حامیان اصلی این گروه بوده‌اند اما ریشه‌های طالبان به داخل افغانستان برمی‌گردد و در بسیاری از مواقع وجهه قومی آن بر وجهه مذهبی‌اش فائق آمده است. همین امر باعث شده برخلاف گروه‌های دیگر، حذف کامل بن‌براین تقریباً تمام‌بازگران داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بر ناکام بودن تلاش‌های نظامی در برخورد با این گروه به توافق رسیده‌اند. در این بین جمهوری اسلامی ایران که موضع اصولی‌اش فراگیری صلح و نیت در گستره خاک افغانستان است، بر ارجحیت راه‌حل سیاسی بر راه‌حل نظامی برای حل بحران‌های این کشور تأکید دارد. ایران همواره دفاع خود از دولت افغانستان و مردم آن بویژه شیعیان را اعلام کرده و معتقد است هر مذاکره‌ای که می‌خواهد صورت بگیرد باید با حضور قانونی افغانستان باشد. این موضع برخلاف توافق دوجانبه آمریکا و طالبان بود که عملاً منجر به دور خوردن دولت قانونی افغانستان شد.

سفرهای هیات طالبان به ایران که با حواشی بسیاری همراه شد در همین چارچوب قابل تفسیر است. در زمان حضور این هیات در ایران برای انجام برخی مذاکرات، برخی رسانه‌های اصلاح‌طلبان در همناوبی با رسانه‌های ضدانقلاب که سعی داشتند ایران را حامی طالبان نشان دهند، با این عمل مخالفت ورزیدند. نکته‌ای که می‌توان در این باره به آن اشاره داشت تناقض رفتاری استانداردار دوگانه جریان غربگرا پیرامون نوع مواجهه با طالبان است، بدین ترتیب در حالی رسانه‌های اصلاح‌طلب سعی دارند با طرح گزاره موهوم طرفداری جمهوری اسلامی از طالبان(! فضای داخلی را تحت تأثیر قرار دهند که بیشترین بازخورد از تعامل با طالبان مربوط به تصاویر دیدار محمدجواد ظریف با نمایندگان هیات طالبانی در سال گذشته است. یقیناً این دیدار را به عنوان بخشی از سیاست نظام در راستای ایجاد ثبات در همسایه شرقی می‌توان مورد بحث و ارزیابی قرار داد اما سؤالی که در حاشیه آن مطرح می‌شود این است که اگر مخالفت با درگیری مستقیم با طالبان به منزله حمایت از این گروه به حساب می‌آید، چرا نباید از دیدار وزیر امور خارجه دولت روحانی –که از محبوب‌ترین چهره‌های جریان اصلاحات محسوب می‌شود- با هیات طالبان به عنوان شاهد مثالی از حمایت اصلاح‌طلبان از طالبان یاد کرد؟ در همین زمینه شاید بد نباشد به بازخوانی بخشی از سرمقاله روزنامه شرق در تاریخ ۱۳ بهمن ۱۳۹۹ با عنوان «طالب در تهران»

نقطه کور راداری ننداریم



فرمانده نیروی پدافند هوایی ارتش گفت: توانمندی‌های راداری ما در حدی است که نقطه کور راداری در کشور وجود ندارد و تا کیلومترها خارج از مرز هم رصد می‌شود. امیر علیرضا صباحی‌فرد گفت: پدافند هوایی، ستون فقرات تأمین امنیت آسمان کشور است. اساساً هر کشوری که خواهان حفاظت از قلمرو هوافضای خود باشد نیاز به شبکه یکپارچه دفاع هوایی دارد و هر کشوری متناسب با سطح توان نظامی خود از این امکانات برخوردار است.

با منطق کسانی که مخالفت جبهه انقلاب با مداخله نظامی در افغانستان را مساوی با حمایت از طالبان می‌دانند دیدار بی سابقه ظریف با هیأت طالبان در تهران سند همکاری اصلاح‌طلبان با طالبان است

اصلاح‌طلبان



به قلم عباس آخوندی، وزیر سابق راه‌وشهرسازی پرداخت. در بخشی از سرمقاله مذکور با اشاره به دیدار ظریف با هیات طالبان آمده بود: «درست است که طالب تظاهر به جهت‌گیری مذهبی می‌کند اما، در کنسه جهت‌گیری‌هایش جنبه قومی می‌چربد. بنابراین، باید بنیان ملزک‌ه مذکور با طالب را با توجه به ماهیت قومی‌شان، یعنی پشتون بودن گذاشت.» بر این اساس باید این سؤال را پرسید: چگونه روزنامه‌ای که در حمایت از دولت روحانی چنین حکمی را صادر کرده استت حالا تلاش دارد رقبای خود را به تطهیر طالبان متهم سازد؟ آیا در دل این تناقض می‌توان رد مؤلفه‌ای به جز کاسبی از سیاست خارجی برای پیشبرد اهداف داخلی را پیدا کرد؟

دلسوزی برای افغانستان یا تشویق برای سقوط؟

گفتنی است یکی از اهداف ایالات متحده، کشفاندن پای رقبای خود از جمله جمهوری اسلامی ایران به افغانستان است. هدفی که با تقییح هر گونه ارتباط ایران با طالبان پیگیری می‌شود. بر سوال بردن تلاش‌های دیپلماتیک و سیاسی به منظور بروز رفت از بحران فعلی افغانستان، لاجرم تنها گزینه‌ای را که پیش روی ما قرار خواهد داد جنگ است. تجربه به اتحاد جماهیر شوروی و بعد از آن آمریکا در افغانستان نشان داده است راه‌حل نظامی در این کشور باتلافی است که منجر به تضعیف کشورهای مهاجم می‌شود. به همین دلیل است که آمریکایی‌ها به دنبال اتخاذ این تصمیم اشتباه توسط ایران هستند؛ هدفی که اصلاح‌طلبان نیز در داخل در همان خط حرکت می‌کنند. این امر مسبوق به سلیقه بوده است، همان‌طور که همین گروه اصلی‌ترین منادی حمله به افغانستان در زمان حکومت طالبان بود. در رابطه با سیاست جمهوری اسلامی درباره کشورهای دیگر نیز این امر صادق است. به عنوان مثال در بحبوحه تحولات سوریه و با تقابل از سقوط موصل و وسیله داعش، چهره‌های شناخته‌شده اصلاح‌طلب علیه حضور مستشاری ایران در سوریه موضع می‌گرفتند و برای مخالفان بشار اسد بر نژاد تبلیغاتی می‌رفتند. موضع تندروهای اصلاح‌طلب درباره یمن نیز به همین صورت بود به طوری که مصطفی تاجزاده در توثیتی نوشته بود: «یمن در اشغال داعش نیست، حرم هم ندارد و هم‌مرز اسرائیل هم نیست که به اصطلاح آقایان عمق استراتژیک جمهوری اسلامی محسوب شود. اعلان کمک مستشاری ایران در یمن توسط سردار جعفری (فرمانده سپاه) در شرایطی که ترامپ (رئیس‌جمهوری آمریکا) در پی اثبات دخالت سپاه در امور کشورهای دیگر است، چه معنا و لزومی دارد؟» مواضع این‌چنینی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد به طرز عجیبی پازل مواضع اصلاح‌طلبان در حوزه سیاست خارجی تکمیل‌کننده پازل آمریکایی‌ها در منطقه بوده‌است. در اتفاقات اخیر افغانستان نیز این مهم به اثبات رسید و در تکمیل تلاش آمریکایی‌ها برای حضور نظامی ایران در افغانستان، اصلاح‌طلبان نیز به طرق گوناگون سعی در به بن‌بست کشاندن تلاش‌های سیاسی جمهوری اسلامی برای حل بحران افغانستان دارند.

جو بایدن در دیدار رئیس‌رژیم صهیونیستی: نیروهای مورد حمایت ایران در خاورمیانه را بمباران کردیم؛ نمی‌گذاریم ایران هسته‌ای شود

خط و نشان دولت ضعیف!

«شمشیر قدس» منجر به سقوط دولت نتانیاهو و تشکیل کابینه جدید رژیم صهیونیستی شد.
۲ اقدام نظامی دولت بایدن در حمله به مقر نیروهای مقاومت عراق پس از آن بود که ۲ روز قبل از آن نخستین رزه رسمی حشدالشعبی از زمان شکل‌گیری آن بسا عنوان طالبان به برابر دیدگان مقامات عالی‌رتبه کشوری و لشکری از جمله شخص‌نخست‌وزیر مصطفی الکاظمی در یادگان اشرف سابق در نزدیکی مرز با ایران در استان دیالی توان رزمی رژی خود را به رخ دشمنان عراق کشیدند.

۳ دولت بایدن در راستای برنامه و وعده «خروج از جنگ‌های بی‌پایان» در حال خارج کردن نیروهای نظامی خود از افغانستان و منطقه‌است. بنابراین حرکت محدود نظامی علیه نیروهای حشد برای خروج از اضطرار فعلی و البته در واکنش به تغییر آرایش و موازنه در غرب آسیا به نفع محور مقاومت، با هدف بازآیابی روحی متحدان منطقه‌ای ایالات متحده قابل تفسیر است.

برای تخریب برجام؟

خط و نشان‌های بایدن برای ایران در حضور رئیس رژیم صهیونیستی در شرایطی بیان شد که مذاکرات وین برای احیای برجام به دور مقفتم خود نزدیک می‌شود. اقدام نظامی بایدن علیه متحدان ایران هم‌زمان با برگزاری نشست کمیسیون برجام، پیام مخربی به تهران ارسال می‌کند. این در حالی‌است که از زمان روی



بود که از زمان ترامپ مرسوم شد و بایدن با تکرار آن نشان داده است به ادامه این رفتار ترامپ علاقه‌مند است.

تهاجم بایدن؛ اقتدار با اضطراب؟

چهل‌وششمین رئیس‌جمهور آمریکا که در زمینه سیاست خارجی با شعار «بازگشت به دیپلماسی» با هدف بازسازی و ترمیم آمریکای ترامپ کار خود را در کاخ سفید آغاز کرد، حالا با گذشت ۶ ماه از فعالیت‌های تیم سیاست خارجی و امنیت ملی خود بیش از آنکه به دیپلماسی بازگردد، به همان استراتژی قدیمی دموکرات‌ها یعنی سیاست فشار هم‌زمان با دیپلماسی بازگشته است. البته میزان به‌کارگیری این سیاست در مقطع کنونی به طور کلی محل ابهام و سؤوال است که در ادامه به دلایل آن اشاره می‌شود.

۴ رویکرد تهاجمی پیش از آنکه حاصل اقتدار و قدرت‌نمایی ایالات متحده باشد، در جهت خوش‌رقصی و دوپینگ روانی برای رژیم‌های صهیونیستی و سعودی است که پس از شکست‌های سنگینی که از مقاومت در فلسطین و یمن متحمل شدند، گرفتار وضعیت بحرانی هستند تا جایی که پس‌لرزه شکست سنگین اسرائیل از حماس و جهاد اسلامی در جریان نبرد ۱۲ روزه

^[1] شمشیر قدس» منجر به سقوط دولت نتانیاهو و تشکیل کابینه جدید رژیم صهیونیستی شد

^[2] اقدام نظامی دولت بایدن در حمله به مقر نیروهای مقاومت عراق پس از آن بود که ۲ روز قبل از آن نخستین رزه رسمی حشدالشعبی از زمان شکل‌گیری آن بسا عنوان طالبان به برابر دیدگان مقامات عالی‌رتبه کشوری و لشکری از جمله شخص‌نخست‌وزیر مصطفی الکاظمی در یادگان اشرف سابق در نزدیکی مرز با ایران در استان دیالی توان رزمی رژی خود را به رخ دشمنان عراق کشیدند

^[3] دولت بایدن در راستای برنامه و وعده «خروج از جنگ‌های بی‌پایان» در حال خارج کردن نیروهای نظامی خود از افغانستان و منطقه‌است

^[4] برای تخریب برجام؟

^[5] خط و نشان‌های بایدن برای ایران در حضور رئیس رژیم صهیونیستی در شرایطی بیان شد که مذاکرات وین برای احیای برجام به دور مقفتم خود نزدیک می‌شود

^[6] اقدام نظامی بایدن علیه متحدان ایران هم‌زمان با برگزاری نشست کمیسیون برجام، پیام مخربی به تهران ارسال می‌کند

^[7] این در حالی‌است که از زمان روی